



رشید رضا و وهابیت:
رابطه‌ای لرزان

۶



تاریخ مقاومت و حقیقتی
به نام «گردان‌های شهید
ابوعلی مصطفی»



۳

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس شماره ۱۷ دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ ۴ شعبان ۱۴۳۸ ۱ می ۲۰۱۷

«شبیر حسنعلی» تحلیلگر مسائل
جهان اسلام در گفت‌وگو با بیت المقدس:

ارتش عربستان همان لشکر داعش اما با لباس رسمی است

۵





▲ آیت‌الله اراکی: جامعه اسلامی هندوستان در حل مشکلات جهان اسلام می‌تواند بسیار اثرگذار باشد

آیت‌الله محسن اراکی دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در دیدار علمای اهل سنت هند با بیان این که ایران و هندوستان در بسیاری از جهات به ویژه از لحاظ فرهنگی به یکدیگر نزدیک هستند، گفت: رفت و آمد میان علما و شخصیت‌های اثرگذار می‌تواند زمینه‌ها را برای همکاری‌های فرهنگی بیشتر فراهم سازد. با توجه به مشکلات جهان اسلام و وحدت و اتحاد است ما انتظار داریم علمای هندوستان در این عرصه نقش مؤثری داشته باشند.

آیت‌الله اراکی در ادامه خواستار راه اندازی دانشگاه علوم اسلامی در هندوستان شد که در این دانشگاه، مذاهب مختلف اسلامی تدریس شود.

قلب زمین

سخن نخست

تنور داغ انتخابات و کباب شدن موضوعات منطقه‌ای

محمد مهدی رحیمی



کمتر از ۲۰ روز تا برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران اسلامی زمان مانده است، انتخاباتی که نه تنها برای ایرانیان که برای ملت‌های منطقه و مقامات بسیاری از کشورهای جهان هم مهم و قابل توجه است. امروز جمهوری اسلامی ایران از جایگاه اثرگذاری در تحولات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی برخوردار بوده و طبیعی است هر گونه تغییر و تحولی در سطوح عالی آن در کانون توجه رسانه‌ها، شخصیت‌ها و حتی ملت‌های مستضعف قرار بگیرد.

اگر چه متأسفانه در روزهایی که تاکنون از تبلیغات نامزدها گذشته است ایشان کمتر به موضوع سیاست خارجی پرداخته‌اند و برنامه‌هایشان در قبال تحولات منطقه را بیان نکرده‌اند اما بدون شک هیچ کاندیدی نمی‌تواند داعیه سکنداری کشتی ایران در دریای پرتلاطم کنونی غرب آسیا را داشته باشد و ایده و نگاهی نسبت به تحولات سوریه، عراق، یمن، بحرین، لبنان و ... نداشته باشد. اما مقصود این یادداشت نه پرداختن و احیاناً نقد سیاست خارجی نامزدها که تذکر مسئله‌ای مهم است که عدم توجه به آن حتماً آسیب‌هایی برای انقلاب اسلامی به همراه خواهد داشت و آن غافل شدن از تحولات همسایگان و کشورهای اسلامی در برهه زمانی انتخابات است.

این روزها در حالی تب انتخابات هر روز در ایران فراگیرتر می‌شود که کمی آن‌سوتر در همسایه جنوبی ایران، جزیره بحرین، روز یکشنبه آینده قرار است دادگاه نهایی «آیت الله عیسی قاسم» برگزار شود. دادگاهی که تاکنون چند بار برگزاریش به تعویق افتاده اما هر بار حکومت مستبد بحرین اعلام کرده که جلسه بعدی حتماً تشکیل شده و حکم شیخ در آن اعلام می‌شود.

کمی دورتر در غرب قاره آفریقا، نیجریه، دقیقاً یک سال پس از آنکه سازمان عفو بین‌الملل در اوایل اردیبهشت ۹۵ ارتش این کشور را به کشتار شیعیان، دفن کردن آنها در گورهای جمعی و نابود کردن مستندات مرتبط با این جنایت متهم کرد، هنوز وضعیت رهبر شیعیان این کشور، شیخ ابراهیم زکراکی، مشخص نشده است و آخرین اخبار حکایت از وخامت اوضاع جسمی وی و از دست دادن بینایی هر دو چشمش دارد. متأسفانه در این موضوع در تمام ۲۰ ماهی که از حمله و حشیانه ارتش نیجریه به شیعیان بی‌پناه و مظلوم می‌گذرد، هیچ اقدام در خور و موضع اثرگذاری از مقامات سیاسی و اجرایی جمهوری اسلامی مشاهده نکرده‌ایم.

در سوریه، بعنوان کانون تحولات منطقه غرب آسیا هم اوضاع شرایط ویژه‌تری پیدا کرده، پس از پیاده‌سازی سناریوی غربی-عربی در خان‌شبخون و بهانه‌سازی حمله شیمیایی دولت اسد به مردم، شاهد حمله ناگهانی و تقریباً کور از جانب آمریکایی‌ها به یک پایگاه شکاری ارتش سوریه بودیم و پس از آن هم در ماجرای تبادل خانواده‌های فوّه و کفر یا بود تا روزیستهای زبدانی، شاهد اتفاقات تأسف باری بودیم و اوج آن در جنایت دهشتناک علیه آوارگان فوّه و کفر یا بود که منجر به شهادت دهها زن و کودک بی‌پناه شد. این لیست را می‌توان برای یمن و عراق و افغانستان و ... هم ادامه داد که جملگی نشان از خطیر بودن اوضاع در دور و نزدیک کشورمان دارد، باید مراقب باشیم توجه‌مان به انتخابات ریاست جمهوری و غفلت از تحولات غرب آسیا باعث نشود موضوعات منطقه‌ای در تنور داغ انتخابات جزغاله شود. این وظیفه نه فقط بر عهده مسئولان و متولیان امر، که تکلیفی برای علاقمندان ایران، دلسوزان محور مقاومت، جهادگران فضای مجازی و فعالان دیپلماسی عمومی است.

«دکتر ایمن یعقوب»، اندیشمند جوان مصری در گفت‌وگو با بیت المقدس:

روح‌الله فرقانی فداین

مشترکات دینی و فرهنگی قاهره و تهران می‌تواند روابط سیاسی دو کشور را بهبود بخشد



خیر، تصریح کرد: تکفیری‌ها در همه مکانها هستند و جایی نیست که نشانی از این گروه تروریستی خبیث دیده نشود. بعضی از مردم که دارای آگاهی هستند فریب این گروه افراطی را نمی‌خورند. دکتر یعقوب تأکید کرد: امروزه می‌توان در مصر، تونس و لیبی نشانه‌هایی از آنها را دید که به تخریب چهره اسلام و مسلمانان فکر می‌کنند. خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران با تشخیص و شناخت به موقع از این اندیشه خطرناک توانسته است در آگاهی بخشی و وحدت بیشتر کشورهای مسلمان تلاش‌هایی را انجام دهد. مسلمانان با داشتن مشترکات فراوان

مشترکات زیادی با یکدیگر دارند که می‌تواند سرمنشاء وحدت و یکپارچگی گردد. در اسلام دو مقوله دین و سیاست وجود دارد که جزیی از یکدیگرند و برهم تأثیر گذارند. دکتر یعقوب اظهار داشت: هر چند نقش الازهر مصر در جهان اسلام مشخص است اما می‌توان با ایجاد وحدت بیشتر میان مراکز دینی در سایر کشورها شاهد کاهش دخالت‌های سیاسی در عرصه دینی باشیم و تصمیم درستی برای مقابله با افراطی‌گری گرفته شود.

این اندیشمند مصری ادامه داد: اعتدال‌گرایی یکی از نیازهای امروزه جهان اسلام است

دکتر «ایمن یعقوب» تحلیلگر جوان مصری با طی کردن مدارج علمی خود در دانشگاه الازهر مصر امروزه توانسته در دانشگاه بریتانیا صاحب کرسی شود. این اندیشمند مصری مشکل امروز مسلمانان را افراطی‌گری می‌داند و معتقد است؛ مشکل به وجود آمده میان کشورهای مسلمان را نباید در موسسات دینی جست‌وجو کرد بلکه نگاه‌های متفاوت سیاسی برخی کشورها به بحران‌های موجود و افراطی‌گری دامن زده است، وظیفه کنونی جهان اسلام مقابله با تکفیری‌ها و توجه بیشتر به فلسطین است.

دکتر یعقوب با اشاره به چگونگی وحدت مسلمانان

امروزه باید به دنبال راهکاری مناسب بود تا برخی به فکر ساختن و برخی به فکر تخریب کشورهای مسلمان نباشند. مسلمانان مشترکات زیادی با یکدیگر دارند که می‌تواند سرمنشأ وحدت و یکپارچگی گردد



فرهنگی و دینی می‌توانند به اتحاد و انسجام بیشتری دست یابند. مثلاً میان جامعه مصر و ایران مشترکات فراوان فرهنگی و دینی وجود دارد و همکاری‌های فرهنگی دو طرف می‌تواند در بهبود روابط سیاسی تأثیرگذار باشد. این استاد دانشگاه با اشاره به تمدن اصیل اسلامی در عصر طلایی آن و زمانی که اروپا در عصر تاریکی به سر می‌برد، انتشار تفکر وحدت میان طوایف مسلمانان را از اصول اسلام معرفی کرد و افزود: امت اسلامی با یادآوری گذشته ریشه‌دار خود به جریان‌های منحن تکفیری اجازه نفوذ در میان خود نخواهد داد.

و کشتن مسلمانان و مردم که از سوی برخی افراطیون تکفیری صورت می‌گیرد در نزد علما و اندیشمندان مأمومت و قبیح شمرده شده است. وی افزود: هر چند بهتر است برای گفتمان از همه علما و اندیشمندان دعوت شود اما یادآور شوم که مشکل امروز ما موسسات دینی نیست بلکه روش‌های سیاسی غلطی است که در برخی کشورها وجود دارد. سیاست‌های غلط موجب شده است تا این اندیشه افراطی رشد یافته و از برخی کشورهای آسیایی و آفریقایی سر برآورد. دانش آموخته الازهر در پاسخ به این سوال که آیا جریان تکفیری در مصر هم وجود دارد یا

در مقابله با تفکر افراطی تکفیری به خبرنگار بیت المقدس گفت: عدم وحدت کشورهای مسلمان سبب شده تا برخی از فرصت‌طلبان به اختلاف نظرهای مسلمانان دامن زده و آتش تفرقه و جدایی را در برخی از کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا شعله‌ور سازند. به نظر من دشمنان اسلام به وحدت مسلمانان نمی‌اندیشند و به فکر ایجاد تفرقه هستند تا فرصت‌های ترقی و پیشرفت را از آن‌ها بگیرند.

وی تأکید کرد: امروزه باید به دنبال راهکاری مناسب بود تا برخی به فکر ساختن و برخی به فکر تخریب کشورهای مسلمان نباشند. مسلمانان



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

[اسلام انقلابی]



◀ سفیر فلسطین در لندن: انگلیس بابت بالفور عذرخواهی نکند شکایت می کنیم

در پی مخالفت انگلیس برای عذرخواهی بابت بیانییه بالفور از ملت فلسطین، «مانوئل حساسیان» سفیر فلسطین در انگلیس گفت: از دولت انگلیس خواستیم تا به مادر این باره پاسخ دهد و توانستیم پیامی که از وزارت خارجه داده شد، دریافت کنیم؛ این پاسخ پس از سه روز آمد و با عذرخواهی مخالفت کرده بود. این پیام به این معنی است که دولت انگلیس هرگز از ملت فلسطین عذرخواهی نمی کند و یکصدمین جشن بیانییه بالفور در زمان مقررش انجام خواهد شد. حساسیان گفت: تازمائی که انگلیس بابت بیانییه بالفور عذرخواهی نکند و این جشن بابت آن را لغو نکند و دولت فلسطین را به رسمیت نشناسد فلسطینی ها به تلاش های خود برای اقامه شکایت قانونی ضد انگلیس ادامه می دهند.

◀ سیوش فلاح پور



تاریخ مقاومت و حقیقتی به نام «گردان های شهید ابوعلی مصطفی»

صهیونیستی را در هتلی در قلب تل آویو به هلاکت رساندند.

جالب آنکه این گردان ها، بعد از پاسخ متقابلی که به ترور دبیر کل خود، شهید ابوعلی مصطفی دادند، نه تنها از سوی اسرائیل، بلکه از سوی نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان با محوریت جنبش فتح نیز مورد بازخواست قرار گرفتند! امری که زمینه درگیری های داخلی این دو گروه را در مناطق متعددی در کرانه غربی طی سال های بعد، مهیا کرد.

با وجود اینکه گردان های ابوعلی مصطفی، در بسیاری از مقاطع تاریخی و مبارزات اصلی ملت فلسطین علیه رژیم صهیونیستی، از جمله انتفاضه اقصی و یا تجاوز ارتش اسرائیل به نوار غزه، جزء چند گروه اصلی بوده که نقش میدانی در توقف پیشروی و ضربه به منافع صهیونیست ها داشته، اما همواره در داخل و از سوی نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان نیز مورد آزار و اذیت قرار گرفته است.

در حال حاضر، بخش عمده ای از نیروهای بدنه این سازمان، نه تنها در بند صهیونیست ها بلکه در زندان های تشکیلات خودگردان گرفتار هستند.

اگرچه احمد سعدات، دبیر کل فعلی این جبهه و جانشین شهید ابوعلی مصطفی، سال هاست که در زندان های اسرائیل در اسارت به سر می برد، اما نمی توان فراموش کرد که زمینه این دستگیری او را نیروهای تحت فرمان یاسر عرفات فراهم کردند، به طوری که او تا پیش از هجوم اسرائیل به منطقه سجن اریحا در کرانه غربی، توسط نیروهای امنیتی تشکلات خودگردان، به بهانه برهم زدن آتش بس های مقطعی آنان با اسرائیل بازداشت شده و تا مدت ها، زیر نظر آنان در زندان بود.

می توان در اولین مواجهه و با تکیه بر مارک ها و برچسب هایی که از غرب به عاریه گرفته ایم، اقدام به دسته بندی های همیشگی کرده و دایره مقاومت را بر اساس قالب های متعارف ذهنی خود تنظیم کنیم، یا برای درک واقعیت پیرامون خود، مستقیماً به همان واقعیت و آثار عملی اش رجوع کنیم.

گردان های ابوعلی مصطفی و نحوه تعامل با این گروه و تمامی موارد مشابه آن، آزمونی تاریخی پیش روی ما و همه کسانی است که خواستار حرکت در مسیر مقاومت و

گردان های ابوعلی مصطفی (که تا پیش از شهادت دبیر کل این جبهه به دست اسرائیل، با نام گردان های مقاومت مردمی شناخته می شد)، به لحاظ نظری، جنبشی چپ است که بر اساس مبانی مارکسیسم-لنینیسم گفتمان خود را علیه صهیونیست ها شکل داده است. همین گزاره، ممکن است برای عده ای کافی باشد تا این گردان ها را دایره گروه های مقاومت خارج کرده و جنبش آنان را حرکتی غیراصیل بخوانند که در بهترین حالت، ممکن است همسویی هایی با اهداف مقاومت اسلامی داشته باشد.

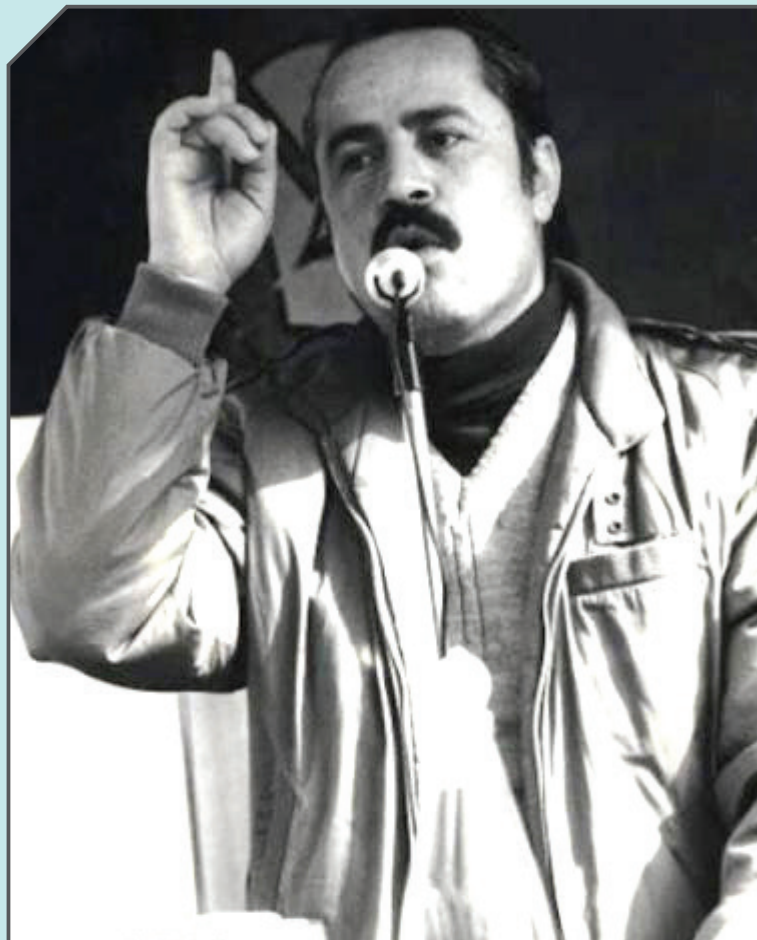
بدون شک پاسخ به چنین رویکردی چندان ساده به نظر نمی رسد، همان طور که در طول تاریخ نیز هیچ گاه مقابله با چنین شبهاتی که اصل را نادیده گرفته و به طور ماهرانه ای به حواشی تمسک می ورزند، آسان نبوده است. در چنین مقاطع تاریخی است که وجود منابع زنده معرفتی، آن هم در جایگاه تصمیم گیرنده، به مثابه نعمتی برای ملت های بیدار و سرنوشت مبارزات آنان علیه باطل به حساب می آید.

مقام معظم رهبری، در بخشی از بیاناتی که در افتتاحیه اجلاس حمایت از انتفاضه فلسطین در تهران داشتند، به ذکر نام برخی از گروه های مقاومت پرداخته و از نقش ارزشمند آنان در ایستادگی علیه رژیم صهیونیستی تقدیر کردند؛ یکی از آن گروه ها، گردان های ابوعلی مصطفی بودند.

شاخه نظامی جبهه خلق برای آزادی فلسطین، از سال ۱۹۹۹ به طور رسمی آغاز به کار کرده و در جریان انتفاضه اقصی ملت فلسطین، توفیقات مهمی را در کارنامه مبارزاتی خود به ثبت رساند.

در حالی که بسیاری دیگر از جریان های اسلامی و غیر اسلامی مقاومت فلسطین، دست کم برای سال ها با توافق اسلوا، این اشتباه تاریخی فلسطینیان، کنار آمده و یا حتی به طور کامل آن را پذیرفته بودند، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، هیچ گاه بر بار پذیرش این توافق نرفته و همواره مخالف هر گونه رویکرد سازش کارانه ای با صهیونیست ها بوده است.

با وجود محدودیت های چشمگیر مالی که این جنبش نسبت به سایر گروه های مشابه خود در فلسطین دارد، همواره تهدیدی جدی برای امنیت صهیونیست ها، نه



ذهن غربی، ذهن دسته بندی هاست، از ما می خواهد به طور بی وقفه، واقعیت را قطعه قطعه کرده و در قالب های ذهنی که به خورد ما داده، قرار دهیم، حتی اگر واقعیت فریه تر از آن قالب ها باشد، به این ترتیب، ما ناخواسته، به طور مداوم دست به قالب بندی واقعیت (Categorise) بر اساس مقولاتی که از پیش به ما بخشیده اند زده و به طور ناباورانه ای از فهم حقیقی واقعیت پیرامون خود باز می مانیم.

این در حالی است که بر اساس مبانی معرفت اسلامی، برای فهم واقعیت، تنها باید به واقعیت رجوع کرد. گردان های ابوعلی مصطفی (شاخه نظامی جبهه خلق برای آزادی فلسطین)، نامی است که امکان حذف آن از تاریخ مقاومت مردم فلسطین علیه صهیونیست ها وجود ندارد، همواره از پیشگامان ایستادگی نظامی علیه اسرائیل بوده و این در حالی است که به لحاظ مالی، کارنامه به مراتب پاک تری از بسیاری دیگر از گروه های نظامی حاضر در فلسطین دارد.

به این ترتیب، با نگاهی به صحنه عمل و به عبارت دیگر، با رجوع به واقعیت، بدون شک نام مقاومت برآزنده این گردان ها و روزمندگان آن است. اما در این جا، وقفه ای کوتاه در حوزه مقولات و دسته بندی های نظری رایج، ممکن است اختلافاتی را به وجود بیاورد.

مقاومت یعنی چه؟ دایره جریان های مقاومت شامل چه گروه هایی شده و بر اساس این تعریف، کدام گروه ها را نمی توان داخل این دایره به حساب آورد؟ این پرسش ها تاکنون بارها به طور مستقیم و غیر مستقیم، از سوی جریانات مختلفی طرح و پاسخ های متعددی نیز به آن ها داده شده است.

بر مبنای بسیاری از این مباحث و تلاش ها برای دسته بندی، انشعاب های گاه سرنوشت سازی در داخل جریان تاریخی مقاومت شکل گرفته است، انشعاب ها و دسته بندی هایی که به طور معمول در صحنه عملی چندان مفید فایده نبوده است.

با نگاهی به چگونگی شکل گیری این جریان تاریخی و اصولاً هر جریان صاحب اثر و اصیل دیگری در طول تاریخ، به نظر می آید در ابتدای راه، چندان مجالی برای این گونه بحث های تئوریک و نظری نبوده و صداقت در عمل و شفافیت هدف، عامل و انگیزه اصلی به حساب می آمده تا جریانات اصیل به راه افتاده و نقش تاریخی خود را به جا بیاورند. اما علوم انسانی مدرن غربی که تا حد زیادی نحوه نگرش ما به واقعیت موجود را شکل داده و هر لحظه با استفاده از ابزارهای نرم و سخت خود، در تلاش برای افزایش این تاثیرگذاری است، همواره از ما خواسته تا به گونه دیگری، به تعامل با واقعیت و از جمله جریانات اصیل تاریخ همچون مقاومت بپردازیم.

یکی از تاریخی ترین اقدامات این گردان ها، پاسخی بود که به ترور دبیر کل خود از سوی موساد دادند، به طوری که با گذشت تنها ۴۰ روز از آن حادثه، در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱، راحوم زیفی، وزیر گردشگری دولت رژیم صهیونیستی را در هتلی در قلب تل آویو به هلاکت رساندند

حضور در جبهه حق هستند. بدون شک با رجوع به واقعیت و آنچه در صحنه روی می دهد، گردان های ابوعلی مصطفی از مهم ترین جریان های حال حاضر در جریان مقاومت بوده که نامشان با ایستادگی تمام قد علیه صهیونیست ها در سخت ترین شرایط تاریخی پیوند خورده است.

فقط در حوزه شهر کنشینان، بلکه مقامات بلند رتبه آنان نیز، به شمار رفته است. شاید یکی از تاریخی ترین اقدامات این گردان ها، پاسخی بود که به ترور دبیر کل خود از سوی موساد دادند، به طوری که با گذشت تنها ۴۰ روز از آن حادثه، در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱، راحوم زیفی، وزیر گردشگری دولت رژیم



◀ **شیخ الازهر: نگران تبدیل اسلام هراسی به دین هراسی در غرب هستیم**

شیخ الازهر در نشست گفتگوی شورای حکمای مسلمان و شورای جهانی کلیسا با ابراز نگرانی از تغییر شکل پدیده اسلام هراسی در غرب به پدیده دین هراسی، گفت: من نگرانم که پدیده اسلام هراسی به زودی به دین هراسی تغییر شکل دهد.

شیخ احمد طیب، اظهار کرد: مبلغان الحاد مدعی هستند که اسلام و مسیحیت تروریسم و ویرانی را نشر می دهند و ریشه کن کردن افراد متدین امنیت را برای مردم به ارمغان می آورد. همه ما می دانیم که چنین تجهیزات غیر اخلاقی که به دنبال تخریب دین هستند، دیر یا زود به نبرد بدی بین ملحدان و مومنان تبدیل خواهد شد.

تروریسم پیش از مسیحیان، مسلمانان را می کشد. مراکز آمار دهی نشان می دهد که تروریسم دین و وطن ندارد و تنها هدف آن، برهم زدن ثبات است و مسجد و کلیسا و بازار وسیله تروریست ها برای دستیابی به هدفشان است. الازهر شورای جهانی کلیسا در ژنو را به مبارزه با اسلام هراسی دعوت می کند.

قلب زمین

بیت المقدس ناکامی های عربستان در منطقه را بررسی می کند

رامین حسین آبادیان



دلارهای نفتی هم برای آل سعود کارساز نشد



«باب المندب» و مناطق راهبردی یمن شدند و نه توانستند کمیته های مقاومت مردمی در این کشور را سرکوب کنند.

روزنامه «رأی الیوم» درباره بحران اقتصادی شدید در عربستان سعودی می نویسد: «اقتصاد عربستان سعودی به «محمد بن سلمان» و ولیعهد دوم را جایگزین آن ها کرد. با اقدام ملک سلمان دیگر جای هیچ شکی باقی نمی ماند که جنگ قدرت میان دو ولیعهد سعودی یعنی «محمد بن سلمان» و «محمد بن نایف» به اوج خود رسیده است.

با وجود تلاش های نادرست و شبانه روزی خاندان سعودی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران، امروز تمامی قدرت های بزرگ به این مسئله اذعان دارند که به دلیل نفوذ گسترده تهران، بحران های کنونی منطقه بدون حضور ایران حل و فصل نخواهد شد

پادشاه سعودی باروی کار آوردن چهره های نزدیک به بن سلمان از یک سو و محدود کردن اختیارات بن نایف از سوی دیگر، تلاش کرد تا شرایط و موقعیت را به گونه ای رقم بزند که پس از خود، مسیر قدرت یافتن فرزندش (محمد بن سلمان) تسهیل شده و او به راحتی بتواند بن نایف را از سر راه خود بردارد. با فرمان صادره از سوی ملک سلمان، بدون تردید جنگ قدرت در دربار سعودی وارد مرحله تازه ای خواهد شد و از این پس باید منتظر اقدامات متقابل بن نایف و حامیانش در دربار پادشاهی بود.

علاوه بر این، از وجود بحران های اجتماعی در عربستان نیز که در نتیجه ده ها سال حکومت خاندان سعودی در این کشور ایجاد شده است، نباید غافل شد. در عربستان هیچ سینما و تئاتری وجود ندارد و طبق قوانین وضع شده توسط حکام سعودی، زنان حق رانندگی ندارند، پخش موسیقی در مدارس و آموزشگاه ها ممنوع است، ورزش برای بانوان ممنوع است و زنان زیر ۴۵ سال حق ندارند به تنهایی سفر کنند. سلسله محدودیت های گسترده برای مردم عربستان، موجی از نارضایتی عمومی را به وجود آورده و موجب شده تا اخیراً کمپین هایی برای مقابله با این محدودیت ها در این کشور تشکیل شوند؛ کمپین هایی که می توانند به مرور زمان و در صورت گسترده شدن، پایه های قدرت رژیم سعودی را به لرزه در آورند.

جایگزین اسلام ناب محمدی (ص) در منطقه سازد. با وجود تلاش های نادرست و شبانه روزی خاندان سعودی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران، امروز تمامی قدرت های بزرگ به این مسئله اذعان دارند که به دلیل نفوذ گسترده تهران، بحران های کنونی منطقه بدون حضور ایران حل و فصل نخواهد شد و نمی توان از کنار نقش آفرینی این کشور در پشت سر گذاشتن این بحران ها به سادگی عبور کرد. افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه همزمان با سنگ اندازی های حکام سعودی، این واقعیت را برای جهانیان به اثبات رساند که در صورت وجود عزم و اراده جدی و خستگی ناپذیر، دلارهای نفتی بادآورده هم برای تحقق اهداف شوم کارگر نخواهد شد.

در همین حال، هزینه های سرسام آور سعودی ها برای فتنه انگیزی در بسیاری از کشورهای منطقه و به ویژه در سوریه و عراق تاکنون نتیجه ای جز شکست های متعدد برای ریاض نداشته است. تکفیری های تحت الحمایه آل سعود که روزی برای جامه عمل پوشاندن به اهداف این رژیم، به عنوان پیاده نظام آن وارد سوریه و عراق شدند، امروز نه تنها موفق نشدند هیچ کمکی به ارتقاء جایگاه ریاض در منطقه کنند، بلکه به لکه ننگ بزرگی بر پیشانی خاندان سعودی تبدیل و موجب شدند تا

در حال حاضر ده ها سال از قدرت یافتن خاندان سعودی در عربستان سپری می شود. عربستان در طول تمام این سال ها شاهد ۷ پادشاه بوده است که اولین آن ها «ملک عبدالعزیز» نام داشت و آخرین آن ها نیز «ملک سلمان» نام دارد که هم اکنون بر اریکه قدرت تکیه زده است. خاندان سعودی پس از به دست گرفتن زمام امور همواره و به اشکال مختلف تلاش کردند تا اراده خود را بر اراده ملت عربستان و دیگر ملت های منطقه تحمیل کنند؛ از ایجاد محدودیت های عجیب و غریب در داخل کشور گرفته تا پافشاری بر سیاست های خصمانه و توسعه طلبانه در خارج از مرزهای عربستان.

بسیاری از کارشناسان سیاسی و ناظران بین المللی سیاست های خاندان سعودی در قبال کشورهای منطقه را دنباله سیاست های رژیم صهیونیستی قلمداد کرده و معتقدند که سیاست های این دو رژیم در بسیاری از موارد با یکدیگر مشابه هستند. سیاست های خصمانه خاندان سعودی در منطقه طی سال های گذشته این واقعیت را به اثبات رسانده است که حکام ریاض، بقای خود در قدرت را منوط به ایجاد بحران های طولانی مدت و تنش های پایان ناپذیر در منطقه می دانند و درست به همین دلیل است که طی سنوات گذشته ماجراجویی های زیادی را در شماری از کشورها آغاز کرده اند.



کارنامه آن ها در زمینه حمایت از گروه های افراطی در سراسر جهان، بیش از پیش سیاه شود. امروز و پس از سال ها حمایت مالی، تسلیحاتی و لجستیکی ریاض از تکفیری ها، این نیروهای مقاومت هستند که در سوریه و عراق ابتکار عمل را به دست گرفته و بی وقفه بر مزدوران سعودی می تازند.

از سوی دیگر، در یمن نیز وضعیت برای عربستان سعودی بهتر از سوریه و عراق نیست. طبق آخرین آمار منتشر شده، عربستان سعودی تاکنون مبلغی بالغ بر ۷۵۰ میلیارد دلار را هزینه جنگ علیه یمن کرده است؛ هزینه ای که به نوعی کمر اقتصاد عربستان را شکسته و البته مردم این کشور تبعات فاجعه بار آن را تحمل می کنند. با وجود صرف این هزینه های نجومی، سعودی هانه موفق به تسلط بر تنگه استراتژیک

یکی از اصلی ترین و اساسی ترین سیاست هایی که سعودی ها طی سال های اخیر تمام تلاش خود را برای تثبیت آن در عرصه منطقه ای و بین المللی به کار بستند، سیاست «ایران هراسی» و «ترویج وهابیت» بوده است. عربستان سعودی همواره جمهوری اسلامی ایران را بزرگترین مانع در مسیر تحقق اهداف توسعه طلبانه خود در منطقه دیده و از همین روی، بهترین راه برای از میان برداشتن این مانع را در پیاده سازی پروژه ایران هراسی جستجو کرده است. هدف اصلی سعودی ها از پیاده سازی این پروژه، مهار نفوذ روزافزون ایران در منطقه و ایجاد یک اجماع منطقه ای و جهانی علیه آن بوده است. ریاض به موازات همین سیاست، با صرف هزینه های هنگفت تلاش کرده تا وهابیت را



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

قلب زمین

«شیر حسنعلی» تحلیلگر مسائل جهان اسلام در گفت و گو با بیت المقدس:

ارتش عربستان همان لشکر داعش اما با لباس رسمی است



بمباران و کشتن مردم ادامه دهد تا کسی در یمن زنده نماند؛ چرا که این کار تنها راه کنترل و اشغال یمن است و یا مانند یک سامورایی شکست خورده پذیرای شکست خود باشد. او دلیلی برای پول خرج کردن ندارد. او کشور خود را در مشکلات مالی قرار می دهد تا به خواسته های طغیانگر خود پاسخ دهد. این بسیار ساده است. او کاری را انجام می دهد که اربابانش در واشنگتن و لندن انجام می دهند. اگر پول آن ها تمام شود، پول چاپ می کنند.

❖ کارشناسان معتقدند سازمان ملل نقش مخربی را در حمایت از عربستان سعودی با پشتیبانی ایالات متحده، انگلستان، فرانسه و دیگر کشورهای اتحادیه اروپا برای به راه انداختن یک نسل کشی در یمن ایفا می کند.

نظر شما چیست؟

سازمان ملل قادر است تا با تحریم نکردن عربستان و متحدانش این کار را انجام دهد. سازمان ملل اجازه داده است تا یک محاصره بشر دوستانه در یمن اتفاق بیفتد، همانند اتفاقی که در غزه افتاد. در حقیقت این اتفاق در کشورهایی که با کشورهای صاحب حق و تو دارای مشکل هستند اتفاق می افتد.

انفعال سازمان ملل موجب نسل کشی ملت ها شده است، چه در یمن، چه در رواندا، چه در بوسنی و چه در فلسطین. سازمان ملل حتی برای کسری از ثانیه نیز یک سازمان کارآمد به شمار نمی آید. این سازمان همواره از دستیابی به اهداف خود؛ یعنی ترویج صلح و آرامش، برابری، حقوق بشر و استقرار نظام های حاکمیتی مناسب ناکام مانده است. در حقیقت این موضوع که پنج عضو دائم این سازمان حق و تو دارند، به طوری که اگر یکی از آن ها مخالفت داشته باشد آن مسئله تصویب نمی شود، بسیار مضحک است.

سازمان ملل از روزی که رژیم صهیونیستی و عربستان راهبرسمیت شناخت، نابود شد. از روزی که این سازمان علیه اقداماتی که این دو کشور علیه ایران انجام داده اند، سکوت کرد.

مطمئناً سپیده دم نزدیک است و آن ها این را نمی بینند.

امر بسیار ساده است. به طور طبیعی، آمریکا داستانی را برای فروش سلاح به عربستان خواهد ساخت و این موضوع از ترامپ سرزده است.

❖ از آغاز جنگ در یمن، عربستان از دستیابی به اهداف خود باز مانده است. در سال ۲۰۱۵، این کشور با بحران ۱۰۰ میلیارد دلاری مواجه بود و برای مهار آن تلاش کرد در هزینه های عمومی خود صرفه جویی کند. با این حال چرا عربستان با داشتن رگود اقتصادی و شکست در یمن، همچنان به حملات خود در این کشور ادامه می دهد؟

مشکل موجود ناشی از یک غرور است. در حقیقت جنگ یمن برخاسته از افکار محمد بن سلمان است. صادقانه بگویم، پادشاه سلمان حتی به یاد نمی آورد که کجا نشسته بود تا اینکه بتواند این جنگ را رهبری کند! این جنگ زاده محمد بن سلمان است. مشکل او این است که در جنگ یمن شکست خورده است و شکست عربستان بایستادگی مردم در مقابل تهاجم ارتش عربستان آغاز شد. ارتش عربستان خود را ارتش اسلامی می داند؛ در حالی که به نظر من این ارتش همان داعش است که لباس رسمی پوشیده است. محمد بن سلمان با یک مشکل بزرگ روبروست. او در اولین جنگش شکست خورد. برنامه هایش در سوریه و عراق ناکارآمد است. تعهدات او به داعش، القاعده و شاخه های دیگر آن مانند النصره و احزاب الشام ناکارآمد به نظر می رسند.

محمد بن سلمان برای حفظ غرور و آبروی خود می بایست برخی از این جنگ ها را پیروز شود. در حال حاضر چنین اتفاقی در عراق و سوریه محال است. اگر چه او در ظاهر با داعش ارتباط ندارد؛ اما مخفیانه با این ها در ارتباط است.

در یمن او افرادی که صندل را دارند شکست خورده است. در حقیقت او از هر بچهای که یتیم می کند، از هر زنی که بیوه می کند، از هر مدرسه ای که نابود می کند ضربه می خورد. او در حال سقوط به همان دامی است که صهیونیست ها در آن گرفتارند.

محمد بن سلمان دو انتخاب بیشتر ندارد: یا آن قدر به

است. همه آنچه ما به عنوان پژوهشگران وهابیت مطالعه کرده ایم حاکی از آن است که زنان در رژیم سعودی، وجودی مستقلی ندارند و حتی انسان به شمار نمی روند. جهان چشم خود را به روی جنایات رژیم سعودی می بندد، درست همان طور که چشمان خود را نسبت به جنایات رژیم صهیونیستی در غزه، لبنان و هر جای دیگر بسته است؛ جنایاتی همچون تخریب مداوم خانه های فلسطینیان در اراضی اشغالی، حبس غیرقانونی مردم و کودکان بی گناه، محاصره مداوم نوار غزه، تهدیدات مستمر نسبت به مسجداً اقصی و موارد بی شمار دیگر. جامعه بین المللی در برابر این جنایات سخنی بر زبان نمی آورد. تنها برخی مردم و سازمان های اندکی را می بینیم که در برابر این رفتار سخن می گویند و تنها شاهد موضع گیری سازمان ملل و نه عمل دیگری از سوی آن هستند.

موضع سازمان ملل در برابر جنایات سعودی همان موضع منفعلانه در برابر رژیم صهیونیستی است. این سازمان بین المللی نسبت به محکومیت این اقدامات ناتوان است و یا می توان گفت تمایلی برای چنین واکنش هایی ندارد و در عوض آن ها را تشویق می کند. این خود نشانی از ناتوانی تمام عیار سازمان ملل دارد. برخی کشورهای غربی دائماً ادعا دارند که حامیان اصلی حقوق بشر در جهان هستند. اما به نظر می رسد سیاست دوگانه ای در قبال جنایات عربستان سعودی اتخاذ می کنند.

❖ اخیراً دولت ترامپ خبر از سرگیری فروش تسلیحات به ریاض داد. منتقدان دولت این اقدام را مرتبط با افزایش حملات علیه غیرنظامیان یمن می دانند. از طرفی باراک اوباما، پس از حمله جنگنده های عربستان به یک تشییع جنازه که موجی از اعتراض جهانی را برانگیخت، ۱/۱۵ میلیارد دلار از اموال عربستان را بلوکه کرد. نقش آمریکا را در تجاوز به این کشور عربی فقیر چگونه ارزیابی می کنید؟

دولت آمریکا فارغ از افرادی که در کاخ سفید هستند، اسیر یک سیستم است که این سیستم یک سیستم شکست خورده و سرگردان محسوب می شود. در واقع اقدام اوباما مبنی بر توقف یک معامله هواپیماهای جنگی

حضور عربستان سعودی در شورای حقوق بشر و امور زنان یک تناقض کامل و امری غیرمنطقی است. همه آنچه ما به عنوان پژوهشگران وهابیت مطالعه کرده ایم حاکی از آن است که زنان در رژیم سعودی، وجودی مستقلی ندارند و حتی انسان به شمار نمی روند.

به عربستان چیزی را تغییر نداده است. در حقیقت او هیچ مشکلی را در مقابله با خانواده سعودی چه از لحاظ حمایت های تاکتیکی و چه لجستیکی بر طرف نکرده است.

در حقیقت امتناع آمریکا از فروش هواپیما به رژیم سعودی کار خاصی نبوده است بلکه این اقدام عربستان یک جنایت جنگی محسوب می شود. لذا آمریکا موظف به اتخاذ یک راه کار چاره ساز است.

در مورد آقای ترامپ هم باید گفت که او یک معامله گر است. عربستان پول دارد و آمریکا به پول نیاز دارد. این

«شیر حسنعلی» محقق اسلامی، مفسر و تحلیلگر مسائل سیاسی است. عمده فعالیت های او در حوزه جهان اسلام و کشورهای غرب آسیا بوده است. او به عنوان تحلیل گر مسائل سیاسی جهان اسلام در شبکه های مختلفی همچون پرس تی وی، اهل البیت، المبادین، هدایت والولو حضور داشته است. مشارکت در نگارش کتاب «حماسه بزرگ مقاومت؛ یمن، وهابیت و آل سعود» از جمله فعالیت های دیگر او به شمار می رود. موضع منفعلانه سازمان های بین المللی در برابر جنایات بشری آل سعود و رژیم صهیونیستی، اوضاع وخیم انسانی در یمن و مراودات نظامی دولت جدید آمریکا با حکومت عربستان محورهای گفت و گو با این کارشناس انگلیسی بود. متن کامل گفت و گو بدین شرح است:

❖ به مدت دو سال، شهروندان یمنی هدف حملات بی رحمانه نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی بوده اند. مرکز حقوقی و توسعه یمن که یک گروه نظارت مستقل محسوب می شود، تلفات انسانی را ۱۲۰۴۱ نفر اعلام کرده است که شامل ۲۵۶۸ کودک و ۱۸۷۰ زن می شود.

به گفته سازمان ملل متحد، در حال حاضر نزدیک به ۳/۳ میلیون نفر در یمن به دلیل جنگ و محاصره از سوء تغذیه رنج می برند. چرا جامعه بین المللی نسبت به جنایات فجیع آل سعود در یمن بی تفاوت است؟

دلایل بسیاری وجود دارد که می توان آن ها را ذکر کرد. متأسفانه چنین به نظر می رسد که جامعه بین المللی موضعی جنون آمیز در قبال یورش عربستان به یمن اتخاذ کرده است. در میان این دلایل، ایده اقتصادی نیز مطرح می شود. اگر چه باید اشاره داشت که چنین دلیلی ناکافی به نظر می رسد.

یکی دیگر از دلایل در ارتباط با متحدان قابل تحلیل است. در اینجا نباید قدرت لابی صهیونیست را فراموش کرد. در حال حاضر این یک راز برملا شده است که خاندان اشغالگر آل سعود در کنار لابی های صهیونیستی به طور فعالی در حال لابی با ایالات متحده، انگلستان و

سازمان ملل هستند. به عبارتی آن ها در حال تلاش در لابی با کشورهای مختلف جهان هستند تا از این طریق نفوذ و مشروعیت خودشان را تقویت کنند. به عنوان نمونه در نتیجه این تلاش ها، به ویژه از طریق قدرت مالی، لابی اسرائیلی - سعودی دارای نفوذ زیادی شده است. به عبارتی آیا می توان شیوه دیگری را تصور کرد که رژیم سعودی بتواند هم در شورای حقوق بشر سازمان ملل و هم شورای امور زنان این سازمان بین المللی قرار بگیرد؟! حضور عربستان سعودی در شورای حقوق بشر و امور زنان یک تناقض کامل و امری غیرمنطقی





◀ یک چهارم کارکنان وزارت اطلاع رسانی بحرین خارجی هستند
آماره که علی الرمیچی وزیر اطلاع رسانی بحرین به غازی ال رحمه از اعضای پارلمان ارائه کرده است، حاکی از این است که از مجموع یک هزار و ۹۲۲ کارمند وزارت اطلاع رسانی بحرین ۲۷۲ نفر خارجی هستند. بر اساس این آمار ۸۲۰ نفر از مجموع کارمندان این وزارتخانه بحرینی و ۲۷۲ نفر یعنی ۲۵ درصد آنان خارجی هستند.
در همین ارتباط پایگاه خبری «مرآة البحرين» نیز اعلام کرد: کارکنان خارجی در بحرین در معرض کار اجباری و شرایط دشوار کاری قرار می گیرند و با تجارت غیرقانونی روایت و محدودیت های رفت و آمد و یا پرداخت نشدن حقوق و تهدید و تجاوز جنسی روبه روی شوند.

حامد رضایی



رشیدرضا و وهابیت؛ رابطه ای کرزان

اول پروژه او، زدودن اسلام از اضافات آن و دست یابی به اسلام اصیل است تا این اسلام در پروژه دوم او که ایجاد هماهنگی با دنیای مدرن و رفع عقب ماندگی مسلمانان است به کمک او بیاید. درواقع خرافه زدایی از اسلام برای رشیدرضا طریقت دارد نه موضوعیت. ولی برای وهابیت خود خرافه زدایی از اسلام است که موضوعیت دارد. وهابیت اصلا به مرحله دوم پروژه رشیدرضا نمی اندیشد.

حتی بعضی از دفاعیه های رشیدرضا به نفع وهابیت نیز متضمن نفی عقاید وهابیت بوده است. مثلاً رضا ادعا می کند آل سعود بهترین مدافع اصول بنیادین اهل سنت بعد از چهار خلیفه نخستین هستند. همین جمله تعریض به معاویه دارد که با غیرت وهابیان بر صحابه تناقض جدی دارد. وهابیون به دنبال بازگشت به سیره صحابه که معاویه نیز یکی از آنان است، هستند و انتقاد از آنان را بر نمی تابند.

رشیدرضا تبدیل خلافت به ملوکیت توسط معاویه را نقطه آغاز انحطاط اسلام دانسته و از این اقدام او انتقاد می کند. او حتی به خلیفه اول نیز معترض می شود که چرا خلیفه دوم را به خلافت «نصب» کرد و از این طریق زمینه را برای موروثی کردن خلافت در زمان بنی امیه ایجاد کرد. او همچنین خلیفه اول را به این دلیل که برای نامزدی خلافت خود را مورد مشورت همه گروه های ذی نفع قرار نداده بود، مورد انتقاد قرار می دهد. رشیدرضا علاوه بر خلیفه اول به خلیفه سوم نیز به این دلیل که دست بنی امیه را در بیت المال باز گذاشته انتقاد می کند. طبیعی است که یک وهابی هیچ گاه نخواهد توانست انتقاد به خلفا و صحابه را تحمل کند.

علاوه بر این رشیدرضا بعضی نگاه های روشنفکرانه نیز دارد که در تقابل با رویکردهای وهابیت است. مثلاً او در مسئله ارتداد بین مرتدی که علیه مسلمانان شورش می کند و برای آنان خطر ایجاد می کند و مرتدی که علیه مسلمانان توطئه نمی کند، تفاوت گذاشته و فقط حکم اولی را مرگ می داند. این دیدگاه علاوه بر علمای وهابیت، با اجماع سایر علمای اهل سنت نیز متفاوت است.

درباره تشیع نیز میان وهابیت و رشیدرضا تفاوت



وهابیت در ظاهر خیلی از حرف هایی که مصلحان مسلمان می زدند را تکرار می کرد. می گفت اجتهاد باید دوباره احیا شود، باید برای فهم دین مستقیماً به قرآن و سنت رجوع کرد و فهم فقها، متکلمین و فلاسفه را ملاک قرار نداد، خرافات را باید از اسلام زدود

سوال تداعی می شود که؛ آیا رشیدرضا یک وهابی تمام عیار است؟
با این وجود به هیچ وجه نمی توان رشیدرضا را یک وهابی تمام عیار نامید. چرا که او در مواجهه با مسئله تجدد، به دنبال ناب دینی بود ولی ناب دینی وهابیت اساساً ربطی به تجدد و غرب نداشت. رشیدرضا به دنبال هماهنگی با دنیای مدرن بود. او مدرنیته غربی را به طور کامل رد نمی کند و نه تنها دعوت به پذیرش فناوری های غربی می کند که بعضی از وجوه مدنیت غربی را نیز تجویز می کند، در حالی که وهابیت چنین رویکردی نداشت. وهابیون نجد و رشیدرضا اساساً در دو دنیای جداگانه سیر می کردند. آن ها

ناقص می دانست، به کنار گذاشتن فهم علما و رجوع مستقیم به قرآن و سنت دعوت می کرد و به شدت بر خرافاتی که اسلامی نیست ولی بر اسلام بار شده است می تاخت. تا اینجای کار نه تنها رشیدرضا، که محمد عبده هم با وهابیت همراه است. ولی رشیدرضا با عبده یک تفاوت اساسی دارد. درست است که عبده برای اصلاح معرفت دینی معیوب موجود، اجتهاد و رجوع مستقیم به قرآن و سنت را تجویز می کرد ولی او قائل به برداشتی عقل گرایانه از این متون بود. حال آن که وهابیت هر گونه عقل ورزی در فهم دین را مردود شمرده و به تاسی از ظاهر نصوص دینی فتوا می داد. به همین دلیل است که هیچ شباهتی میان محمد عبده و وهابیت احساس نمی شود. اما رشیدرضا بر خلاف عبده به ظاهر گرایی وهابیت نیز نزدیک شد. اما چرا رشیدرضا به ظاهر گرایی نزدیک شد، در حالی که دغدغه اجرای دین در عصر مدرن و تطبیق اسلام با

«۲۵ سال به خاطر خدا از وهابیت دفاع کردم». این جمله ای است که رشیدرضا عنوان کرده است. بیان این جمله از کسی که شاگرد محمد عبده بوده و خود را پیرو سید جمال الدین اسدآبادی می داند، عجیب به نظر می رسد. اما چرا رشیدرضا به رویکردهای وهابی نزدیک شد؟

از زمانی که استعمار وارد جهان اسلام شد و مسلمانان ذلت و عقب ماندگی خود را دیدند، در پی یافتن علل این عقب ماندگی افتادند. سید جمال الدین اسدآبادی یکی از علل مهم این وضعیت نامطلوب جهان اسلام را دور شدن از اسلام ناب می دانست و ندای بازگشت به اسلام نخستین و پیراستن اسلام از اضافات و خرافاتی که بر آن بار شده است سر داد. این دعوت سید جمال همواره مدنظر مصلحان مسلمان بوده و امروز نیز هست. عبده شاگرد سید جمال همین راه را پیمود و شاگرد او «محمد رشیدرضا» نیز همین گونه. همه مصلحان با همه اختلافاتی که داشتند همواره معتقد بوده و هستند که آنچه امروز به اسم اسلام ترویج و تبلیغ می شود، اسلام اصیل نیست. چون ما از اسلام ناب دور افتاده ایم، عقب مانده ایم و برای جبران عقب ماندگی، مهم ترین کار برگشت به اسلام ناب است. اما اسلام ناب کدام اسلام است؟ دقیقاً کدام بخش از اسلام موجود، اصیل و کدام بخش از آن غیراصیل است؟

در چنین شرایطی که همه دنبال یافتن پاسخ این سوال بودند که مشکل معرفت دینی موجود چیست، ناگاه گروه های وهابی در شبه جزیره عربستان بر ضد حکومت عثمانی شوریدند و حکومت تشکیل دادند. آن ها گفتند ما آمده ایم تا تمامی آنچه که در طول تاریخ به ناحق به دامن اسلام چسبانده شده را بزداییم و به اسلام حقیقی قرون نخستین بازگردیم. آنان بازگشت به توحید که اولین اصل اساسی اسلام است را شعار محوری خود قرار دادند.

مصلحان مسلمان از جمله رشیدرضا نیز دقیقاً همین دغدغه را داشتند. آن ها معرفت دینی موجود را غیراصیل می دانستند و به دنبال بازگشت به اسلام واقعی که در صدر اسلام جریان داشت، بودند. لذا شاخک های آنان نسبت به هر صدایی که می گفت اسلام را باید از پیرایه ها پاک کرد و به اسلام اصیل بازگشت، حساس بود. آنان منتقد معرفت دینی موجود بودند و به هر صدایی که از این معرفت دینی انتقاد می کرد حساس بودند. لذا وهابیت مورد توجه رشیدرضا قرار گرفت.

وهابیت در ظاهر خیلی از حرف هایی که مصلحان مسلمان می زدند را تکرار می کرد. می گفت اجتهاد باید دوباره احیا شود، باید برای فهم دین مستقیماً به قرآن و سنت رجوع کرد و فهم فقها، متکلمین و فلاسفه را ملاک قرار نداد، خرافات را باید از اسلام زدود. رشیدرضا نیز بسیار به احیای اجتهاد علاقه مند بود و به این دلیل که معرفت دینی موجود را



درباره تشیع نیز میان وهابیت و رشیدرضا تفاوت زیادی وجود دارد. رشیدرضا علیرغم رویکردهای ضدشیعی وی، هیچ گاه شیعیان را تکفیر نکرده است

زیادی وجود دارد. رشیدرضا علیرغم رویکردهای ضدشیعی وی، هیچ گاه شیعیان را تکفیر نکرده است. در این زمینه جا دارد به یک مثال جالب اشاره کرد. رشیدرضا وقتی که گزینیه های مطلوب برای احراز منصب خلافت را بررسی می کند، به این نتیجه می رسد که فقط یک نفر شایستگی این پست را دارد و او امام یحیی، از فقهای شیعه زیدی است. درست است که شیعیان زیدی در مقایسه با شیعیان اثنی عشری نزدیکی بیشتری با اهل سنت دارند، ولی به هر حال شیعه اند. اینکه رشیدرضا یک شیعه زیدی را برای تصدی خلافت تمامی مسلمانان پیشنهاد می دهد، نشان می دهد که او از تعصبات ضدشیعی، آنگونه که وهابیون بدان مبتلاند، مبرا است.

هرچند در نقطه ای به اشتراک رسیدند، ولی مسائل و دغدغه های شان کاملاً متفاوت و حتی متعارض با یکدیگر بود.

در واقع بهترین این است که بگوییم رشیدرضا بیش از آن که متأثر از محمد بن عبدالوهاب باشد، دل در گرو اندیشه های ابن تیمیه دارد. او گفتن ابن تیمیه را ظرفیت مناسبی برای بازسازی معرفت دینی متناسب با شرایط دنیای مدرن می پندارد. حال آن که وهابیت از گفتن ابن تیمیه برای مواجهه با دنیای مدرن استفاده نمی کرد. وهابیون اصلاً مسئله ای به نام تجدد نداشتند. مسئله رشیدرضا مسئله ای تمدنی است ولی مسئله وهابیت صرفاً مسئله فرقه ای است. پروژه رشیدرضا پروژه های دموکراتیک است. مرحله



اعتصاب غذای ۵۰۰ عضو جهاد اسلامی در غزه

«داود شهاب» مسئول دفتر رسانه‌ای جنبش جهاد اسلامی فلسطین از اعتصاب غذای یک روزه ۵۰۰ عضو این جنبش در غزه از روز پنجشنبه گذشته خبر داد و گفت: این اعتصاب غذا در همبستگی با اسرای فلسطینی و اعتصاب غذای آنها انجام می‌شود.

اعتصاب غذای بیش از ۱۵۸۰ اسیر فلسطینی از روز هفدهم آوریل (روز اسیر فلسطین) در زندان‌های رژیم صهیونیستی آغاز شد. مهمترین مطالبات اسرای فلسطینی در اعتصاب غذای کرامت، ایجاد وضعیتی در زندان‌های رژیم صهیونیستی است که در آن کرامت انسانی بر اساس موازین بین‌المللی و قوانین پذیرفته شده جهانی رعایت شود. مرکز تحقیقات اسرای فلسطینی اعلام کرده که در حال حاضر هفت هزار و ۲۴ اسیر فلسطینی و از دیگر کشورها در زندان‌های رژیم صهیونیستی در اسارت قرار دارند که در ۲۳ زندان، بازداشتگاه و مراکز تحقیق و بازجویی دوران اسارت خود را می‌گذرانند.

یاران آخرالزمانی

مروزی داستانی بر زندگی شهید استشهدادی «صلاح غندور»

◀ مهدی بهرامی

خنده خورشید بر مرد عملیات‌های سخت



خانه خارج شد. همزمان پرنده‌های داخل حیاط با احساس فرارسیدن سرمای شب در پهنه آسمان، به سوی کاشانه‌های خود پرواز می‌کردند.

به رَغَم حرارت ذوب‌کننده خورشید، مردس بنز سفید رنگ با ۴۵۰ کیلوگرم مواد منفجره جاسازی شده، به سمت پادگان به راه افتاد. از ایست و بازرسی اول به راحتی عبور کرد. آنقدر راحت که حتی سربازان لحدی به عروسی که به شکل زن درست شده بود و صلاح آن را در کنارش گذاشته بود، شک هم نکردند.

از داخل آیینه ماشین‌نگاهی به صورت تازه تراشیده اش انداخت و خنده اش گرفت. اولین بار بود که خود را در این هیبت می‌دید. از سرعت ماشین تازه تعمیر کمی کاست تا کاروان نظامیان صهیونیست هم به پادگان نزدیک شود.

مثل همیشه شروع کرد به ذکر گفتن تا با آرامش بیشتری کارش را انجام دهد. نفرین مودبانه‌ای هم نثار دشمنان مرجع محبوب القلوبشان که همیشه «سید القاند» می‌خواندش کرد و برایش از عمق جان دعا کرد.

چند متری تا کاروان و پادگان بیشتر نبود. شهادتین بر زبان جاری شد. با فریاد «الله اکبر» چاشنی انفجار را هم زد. گویی آفتاب بالای سرش و کامیون‌ها یکباره با هم منفجر شدند و آتش گرفتند. آتشی که می‌گریخت و می‌خندید و می‌نالید و جیغ می‌زد و سوت می‌کشید.

خاک مقابل پوتین هایش را داخل مشتانش گرفت و استشمام کرد. به آرامی دعایی خواند و با جالاک‌های موزون غزال دوباره به عقب چرخید. همزمانش در واحد شناسایی کاملاً یک‌خور شدند. هیشم به آرامی کنارش خزید و علت را جویا شد. صلاح که حالا دیگر از نام مستعار «بلال» استفاده می‌کرد به صورت هیشم خنده ای زد و گفت: «مثل کف دستم اینجا را می‌شناسم. خاکش را بو کن. بوی لبنان را نمی‌دهد. نفهمیدی بدون مجوز وارد خاک فلسطین شدی؟» این را گفت و با اشاره دست به دوفن دیگری که با فاصله ۳۰۰ متری از پشت بوته‌های بلند سرسبز نظاره‌شان می‌کردند، فرمان بازگشت داد. برای چندمین بار با قلم کوچکی که در جیب سمت چپ شلوارش گذاشته بود، بر روی کاغذ خطوطی را ترسیم کرد. هیشم می‌دانست نوشته‌های نامفهوم و خطوط عجیب و غریبی که صلاح می‌کشید، دوباره نوید عملیاتی بزرگ را می‌دهد. چند باری می‌شد که به تنهایی با صلاح به شناسایی می‌آمد. از او آموخته بود که هر آنچه را می‌بیند کاملاً در ذهن بسپارد و تا جایی که می‌تواند سوالی هم نپرسد.

تا بازگشت به مقر هیچ کلمه‌ای بین‌شان رد و بدل نشد....

«باید مطمئن شویم گلوله‌ای که شلیک می‌کنیم به هدف مورد نظر می‌خورد، آن وقت ماشه را فشار

مثل شب‌های قبل گرد هم جمع شده بودند تا مادر خانه با لیوان داغ چای خستگی را از تن‌شان بیرون کند. «صلاح» به گوشه‌ای از اتاق پناه برده بود و برخلاف همیشه ساکت و آرام نشسته بود. تا کنون پدر را اینقدر ناراحت ندیده بود. از زیر چشم‌نگاهی به او که حالا دو زانو در مقابل همسرش نشسته بود، انداخت. چشم‌های پدر دود می‌زد و طره‌ای مو بر پیشانی اش خم شده بود. انگار مادر از همه چیز خبر داشت که حتی کلمه‌ای هم صحبت نمی‌کرد. قطره‌های باران آنقدر درشت بودند که وقتی می‌خوردند به شیشه‌های خانه محقرشان، سکوت حاکم بر اتاق را کاملاً محو می‌کردند.

«بیا نزدیک. می‌خوام چیزی بگم» پدر بود که با این جمله اش، صلاح را هم به جمع چند نفره‌شان دعوت می‌کرد. صلاح از گوشه اتاق بلند شد و از پنجره‌نگاهی به بیرون انداخت. آب باران مانند ورقه‌های یک‌دست فرو می‌ریخت. نگاهش را به سمت مادر سوق داد و جسم نحیف و لاغر را پهن کرد روی زانوان او و چشم دوخت به دهان پدر. جمله اول از دهان پدر بیرون نیامده بود که اشک در چشمان صلاح حلقه زد: «فردامی ریم امارات. با دوستانتون خداحافظی کنید. غصه نخورید. دوباره برمی‌گردیم»

توفان به اوج رسیده بود. آب می‌گریخت و با امواجی شبیه هزاران هزار حباب، توی ناودان‌ها قل می‌کرد. سرش را زیر پتو برد و دعا کرد خروس اهلی منزل‌شان، طلوع صبح را هیچ‌گاه بر فراز شرق روستای کفرملکی جنوب، اعلام نکند....





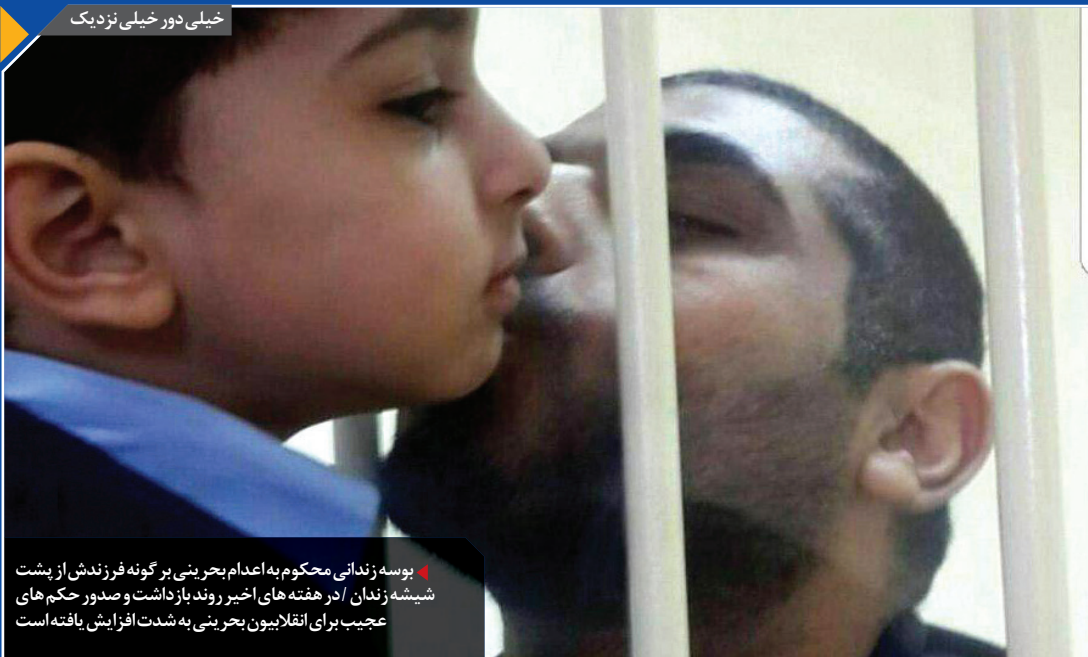
دبیر تحریریه: روح الله فرقانی فدافین
تیم هنری: علی باقری، سید محمد حسینی
طراحی نامواره: سید میثم عرب عامری
www.qudsonline.ir

ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
ویژه جهان اسلام
مدیر مسئول و سردبیر: ایمان شمسایی
دبیر ویژه نامه: محمد مهدی رحیمی

سرزمین مقاومت (فلسطین)

چشمانم را می بندم...
خودم را در آنجا تصور می کنم
آنجایی که همیشه شب بوده
و هیچ روشنایی دیده نمی شود
آنجایی که مردمانش
همچون کوهی
در برابر ظلم و ستم های
دشمنان مقاومت می کنند
خودم را در جایی تصور می کنم
که اطرافم خونین
وزن و بچه ها با گریه و زاری
برای عزیزان خود
سرود و دای می خوانند
آیا باز هم امیدی مانده؟
آری!
همیشه و همیشه شب رفتنی بوده
و بالاخره روزی فرامی رسد
که فلسطین
از زندان ظلم و زور گویی رهایی یابد
و خورشید عشق و مهر بانی به آن بتابد...

خیلی دور خیلی نزدیک



بوسه زندانی محکوم به اعدام بحرینی بر گونه فرزندش از پشت شیشه زندان / در هفته های اخیر روند بازداشت و صدور حکم های عجیب برای انقلابیون بحرینی به شدت افزایش یافته است



خبر و تحلیل درباره بحران شام را در «اخبار تحولات سوریه» دنبال کنید



بحران در سوریه آنقدر طولانی و پر حادثه شده است که اکنون بسیاری از مردم دنیا و بخصوص کشورهای منطقه غرب آسیا اخبار آن را در سطوح مختلف دنبال می کنند. در جمهوری اسلامی ایران این علاقمندی و تب پیگیری اخبار شام به دلایل متعدد گسترده و قابل توجه است که قطعاً یکی از عوامل آن پیوند راهبردی دو کشور است که باعث شده مستشاران خرد و کلان کشور مان از اوایل بحران در این کشور دوست و برادر حاضر شده و نقش مهمی در استقرار دولت قانونی سوریه داشته باشند.

کانال تلگرامی «اخبار تحولات سوریه» که مدتهاست در فضای مجازی فعال است برای تامین همین نیاز و تمایل ایرانیان کار خود را دنبال می کند.

این کانال که از میزان فعالیت متوسطی برخوردار است و نسبتاً پر مطلب می باشد محتوای خود را در چند دسته ارائه می دهد.

اخبار دسته اول و آخرین تحولات میدانی از مناطق مختلف، انتشار منظم نقشه شهرها و میادین نبرد بر اساس جدیدترین تغییرات و انعکاس برخی فیلم ها و تصاویر جذاب از درگیری ها و حواشی آن از بخش های جذاب این کانال است.

یکی از مهمترین و قابل توجه ترین بخش های این کانال تحلیل های ارائه شده در خصوص تحولات سوریه اعم از سیاسی و نظامی است که عملاً کانال را به یک مرجع اثرگذار برای ارزیابی شرایط سرزمین شام بدل کرده است.

جهت دسترسی به این کانال باید از آدرس <https://t.me/syriankhabar> استفاده نمود.



«ابوجهاد» برگی از دفتر زندگی شهید عماد مغنیه



هر کس که کوچکترین شناختی نسبت به جنبش های مقاومت اسلامی و بویژه حزب الله لبنان داشته باشد حتماً نام شهید عماد مغنیه را شنیده است. فرمانده جهادی حزب الله که اگر چه ۱۰ سال قبل در دمشق در عملیات مشترک چندین سرویس جاسوسی به شهادت رسید، اما رد و نشان اقداماتش در سراسر محور مقاومت هنوز پابرجاست.

«ابوجهاد» صد خاطره از شهید عماد مغنیه» جلد سی و یکم مجموعه یادگاران است که به تازگی منتشر و روانه بازار کتاب شده است.

مجموعه کتاب های «یادگاران» که سالیانی است از سوی انتشارات روایت فتح منتشر می شوند، شامل ۱۰۰ خاطره کوتاه از هر شهید هستند.

در بخشی از این کتاب می خوانیم: «قرار بود بعد از عقب نشینی اسرائیلی ها از روستاهای جنوب لبنان، راه را برای مردم آواره باز کنیم تا برگردند به خانه هایشان. خیلی ها آمده بودند؛ حتی آنهایی که خانه شان جای دیگری بود. حاج عماد هم همراهی شان می کرد. با مردم به روستاهای تازه آزاد شده می رفت و به رزمندگان سر می زد؛ اما هیچ کس نمی دانست که فرمانده و معمار این پیروزی، همین مرد میانسال خدانی است که همراهشان در روستاها می چرخد».

«ابوجهاد» در ۱۱۲ صفحه و با قیمت ۶۵۰۰ تومان به اهتمام سید محمد موسوی منتشر شده است.



«سیل آسا» روایت دیدنی و مستند از جنایت های داعش



جنایت تکفیری ها و در راس آنها گروه داعش آنچنان گسترده و عجیب است که تاکنون چند کارگردان مستقل به تولید اثر سینمایی در خصوص آن پرداخته اند بهمانند که در این باره دهها و بلکه صدها محصول مستند هم ارائه شده است.

«سیل آسا» یا نام عربی آن «الجارف» به کارگردانی بلال خریس از کشور لبنان یکی از این آثار سینمایی است.

خریس در خصوص علت تولید این فیلم می گوید: به عنوان زائر برای یک سفر زیارتی به عراق مشرف شدم و از آن جا به منطقه «بیجی» که تازه از دست تکفیری ها آزاد شده بود، رفتم. آن منطقه نزدیک جبهه های درگیری بود و ظرفیت مناسبی برای فیلمسازی داشت. وی می افزود: وقتی روایت هایی از منطقه را شنیدم داستان مقاومت و داستان اتحاد شیعه و سنی نظر من را به خودش جلب کرد. جزئیات کامل این داستان ها را جمع آوری کردم تصمیم به ساخت این اثر سینمایی گرفتم و این پروژه را به پایان رساندم.

سیل آسا یک اثر کاملاً واقعی است که بر اساس واقعیت در یک منطقه حقیقی فیلمبرداری شده است و حتی عوامل آن در حین فیلمبرداری در معرض خطر اصابت موشک و گلوله قرار گرفته اند و امکان تصویربرداری چند باره هر صحنه خیلی دشوار بوده است.

ماجرای فیلم داستان زندگی یک خانواده مسیحی است که داعش مادر این خانواده که پزشک است را به شهادت می رساند و به فرزند کوچک خانواده نیز بمب وصل می کند و...

مازن محمد مصطفی و خانم عواطف السلیمان دو بازیگر اصلی سیل آسا هستند که هر دو هم عراقی می باشند.

این فیلم در چهاردهمین دوره جشنواره بین المللی فیلم مقاومت و اولین جشنواره بین المللی فیلم وحدت اسلامی در ایران به نمایش درآمد.